

کلام جدید

جلسہ بیستم: اثبات خدا - بخش سوم

استاد احسان عبادی

تایپ و تنظیم:
محمد جواد اسماعیلی

1398

مقدمه

شبهه برهان نظم قادر به اثبات قدرت، حکمت و کمال مطلق خدا نیست

شبهه: خدا ممکن است با آزمون و خطا و تکرار به این جهان رسیده باشد

گام های سه گانه شبهات هاسپرز در مورد به هم ریخته بودن نظم

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

السلام عليك يا مولانا يا صاحب العصر و الزمان، السلام عليك يا بقيه الله في ارضه.

خدایا ، در این لحظه و در تمام لحظات ، سرپرست و نگاهدار و راهبر و یاری گر و راهنما و دیدبان ولیّات ، حضرت حجّه بن الحسن ، که دروهای تو بر او و بر پدرانش باد ، باش، تا او را به صورتی که خوشایند اوست ، و همه از او فرمانبری می نمایند ، ساکن زمین گردانیده ، و مدّت زمان طولانی در آن بهره مند سازی.

مقدمه

ما در بحث برهان نظم بودیم. می خواستیم بر اساس برهان نظم خدا را اثبات کنیم. یکی از اشکالات کار ما بچه مذهبی ها این است که چون به مباحث کلام جدید مسلط نیستیم ادعایی می کنیم و در اثبات این ادعا می مانیم. برهان نظم فقط و فقط می تواند وجود خدا را اثبات کند. یعنی یک خدایی هست. حالا اینکه خدا علم ذاتی دارد یا بی نهایت است، هیچ کدام از آنها با برهان نظم قابل اثبات نیست، بلکه باید سراغ برهان دیگری بروید. خیلی از مباحث براهین اثبات خدا فلسفی است و واقعا سنگین است. یعنی یکی از دلایلی که جلسه کلام جدید در بحث اثبات خدا، گاهی یک مقدار با فاصله انجام می شود برای این است که اولاً خود بنده متوجه شوم، و بعد برای عموم قابل فهم کنم. حالا شما عزیزان که با سواد هستید ولی ممکن است این صوت را بنده خدایی گوش دهد و متوجه نشود. من این افراد را در نظر می گیرم و می خواهم آن قدر ساده کنم تا او هم متوجه شود. برای همین تدریس کلام جدید یک مقدار واقعا سخت است، آن هم بحث اثبات خدا.

کلیات برهان نظم را جلسه قبل گفتیم. از معروفترین کسانی که به برهان نظم اشکال وارد می کند آقای جان هاسپرز است. ما انشاءالله برهان ها را توضیح می دهیم و اشکالات آقای جان هاسپرز را هم توضیح می دهیم تا شما اگر در جایی این موارد را مطرح کردید و مخالفی اشکالات جان هاسپرز را وارد کرد، شما بتوانید از قبل شبهه و پاسخ به شبهه را بلد باشید.

شبهه برهان نظم قادر به اثبات قدرت، حکمت و کمال مطلق خدا نیست

اشکال بعدی که به برهان نظم وارد می کنند این است که برهان نظم نمی تواند قدرت، حکمت و کمال مطلق خدا را اثبات کند. چون در این صورت اگر می خواهد اثبات کند، شما باید اثبات کنید که جهان فعلی که من و شما در آن زندگی می کنیم برترین جهان ممکن است. چنین چیزی امکان ندارد چون ما تجربه جهان های دیگری نداریم شاید جهان های دیگری وجود داشته باشد. شما از کجا می دانید جهان های دیگری وجود ندارد؟

آقای مسلمان از کجا می دانی جهان های دیگر وجود ندارد؟

ممکن است وجود داشته باشد. ممکن است خدای آن جهان ها از خدای جهان شما بهتر باشد. اصلا ممکن است جهان دیگری با مردم دیگری با خلقت دیگری موجود باشد، و خلقت آن جهان از خلقت جهان شما بهتر باشد. پس نمی توانید اثبات کنید که خدای شما عالم کل هست.

آقای ریچارد پاپکین در کتاب کلیات فلسفه، صفحه 217 می گوید: حداقل باید اعتراف کنی که برای ما غیرممکن است که با افکار و انظار محدود بگوییم که آیا این نظام اگر با سایر نظام های ممکن و حتی واقعی مقایسه شود شامل اشتباهات و خطاهای بزرگ است یا شایسته تحسین و تقدیر (مثال می زند و می گوید شاعر خوبی پیدا می کنی اما چند سال دیگر شاعر بهتر پیدا می کنی)

پاسخ شبهه: بچه های مذهبی ما در اینجا باید دقت کنند. قطعا برهان نظم قادر به اثبات این گونه صفات یعنی قدرت، حکمت، کمال مطلق خدا و امثالهم نیست، و خود ما مسلمان ها هیچ وقت نمی گوییم برهان نظم همه چیز خدا را اثبات می کند. ما فقط در برهان نظم می گوییم که نظم موجود در جهان به حکم عقل و از لحاظ عقلی قطعا باید توسط یک موجود با شعور و موجودی که ماورای این ماده است و مانند ما مادی نیست به وجود آمده باشد. اما اینکه خدا قادر و عالم و حکیم است از دلایلی دیگری باید اثبات شود.

پاسخ دوم: حتی اگر ما هزاران جهان را مشاهده کنیم و برتری این دنیای فعلی را اثبات کنیم، آقای هاسپرز و هیوم! اصلا فرض کنید من و شما هزار جهان دیگر دیدیم و اثبات شد کره زمین از آنها بهتر است، باز هم نمی توانیم اثبات کنیم جهان ما برترین نظام ممکن است، اگر طبق منطق شما پیش رویم. چون فقط روشن می شود این عالم ما برترین جهان در بین جهان های موجودی است که ما تجربه کرده ایم، اما چه بسا جهان های دیگری که اصلا تجربه نکردیم. یا اصلا شاید نظام دیگری فعلا موجود نیست اما در آینده خدا قرار است نظام دیگری بسازد. پس شبهه شما وارد نیست آقای هاسپرز! شبهه شما دور و تسلسل است. شما جهان دیگری بهتر از ما پیدا کردی، از کجا معلوم می شود که جهان دیگری بهتر از جهان شما نباشد و همین طور پشت سر هم جهان های بهتر؟ پس اصل شبهه شما ناقص است.

شبهه: خدا ممکن است با آزمون و خطا و تکرار به این جهان رسیده باشد

شبهه بعدی که وارد می کنند این است که می گویند بر فرض این جهان برترین جهان موجود است اما باز هم کمال ذاتی آفریننده آن را اثبات نمی کند، مگر اینکه اثبات شود این اولین جهانی است که خلق کرد، یعنی آزمون و خطا داخل آن نبود و از قبل مثلا چند جهان خلق کرده باشد و اینها را آزموده باشد. آزمون و خطا کرده باشد یعنی چند بار اشتباه کرده و اکنون بگوید: خیر! این اولین جهانی است که خدا خلق کرده است. باید اثبات شود در ساختن آن از احدی تقلید نکرده است. آقای

هاسپرز می گوید هیچ کدام از این دو تا قابل اثبات نیست. خدا ممکن است از یک آفریننده دیگر تقلید کرده باشد، یا خدا ممکن است اولین جهان او نباشد و تکرار کرده باشد و با تکرار به این جهان رسیده باشد.

پاسخ: با برهان نظم شما نمی توانید اثبات کنید. در برهان نظم فقط می گوییم جهانی که نظم دارد قطعا خالق دارد. در برهان نظم دنبال این هستیم، نه شبهه ای که جان هاسپرز می گوید. برخی افراد در پاسخ می مانند اما پاسخ ساده است. ما برهان نظم را برای اثبات قدرت خدا و اثبات اینکه جهان اولین جهان است و خدا تقلید نکرده، به کار نمی بریم. ما برهان نظم را فقط برای این می آوریم که اثبات کنیم جهانی که در آن زندگی می کنیم خود به خود به وجود نیامده و خدایی هم هست.



گام های سه گانه شبهات هاسپرز در مورد به هم ریخته بودن نظم

آقای هاسپرز سه نوع شبهه مطرح می کند. شبهاتی راجب نظم که ما می گوییم یک نظم به هم ریخته است:

شبهه اول: هاسپرز می گوید ناتوانی تجربه از اثبات مدبرانه بودن نظم جهان. می گوید با تجربه نمی توانیم اثبات کنیم که این جهان با تدبیر آفریده شده است. هاسپرز می گوید: چه دلیلی وجود دارد که نظم همواره بر آمده از تدبیر است. چنان که هیوم گفته است نظم تنها تا آنجا که مشاهده گردیده از طرح و تدبیر به وجود آمده است. ولی ما هرگز موجوداتی را که گیاهان، حیوانات و یا ستارگان را با طرح و نقشه ساخته باشند ندیدیم، پس نمی توانیم نتیجه بگیریم که اینها برآیند طرح و تدبیرند. یعنی می گوید شما امورات دنیایی را مثال می زنید. اما امورات آسمانی مانند ستاره و خورشید و ماه را چه طور می خواهید بگویید با نظم و ترتیب هستند. مگر خودتان خورشید و ماه و ستاره ساختید که این نظر را می دهید.

در واقع همان بحث تجربه گرایی است. آنها تجربه گرا هستند. می گویند چیزی را که ندیدیم قابل اثبات نیست. به آن اصالت حس و تجربه می گویند. می گویند چیزی که نمی توان آن را تجربه کرد قابل اثبات نیست. کل حرف آنها همین است.

شبهه دوم: هاسپرز می گوید: وجود ناظم جهان که می گویید ناظمی آمده و جهان را خلق کرده است، در صورتی است که هیچ طریق دیگری برای تبیین موجودات زنده در دست نباشد. ما هیچ دلیل دیگری را بر خلقت موجودات نمی توانیم پیدا کنیم. در حالی که هاسپرز می گوید دلایلی موجود هست. هاسپرز می گوید:

از هزاران سال پیش تئوری هایی در باب تکامل عالی وجود داشته است که کوشیده اند موجودات حیاتی را بدون توسل به طراح و ناظم تبیین کنند. فیلسوف یونان باستان آقای آناکسیمندر استدلال کرده که موجودات زنده ابتدا از دریا ناشی شده و سپس به صورت موجودات زمینی تکامل پیدا کرده اند. بعد نظریه داروین را مطرح می کند که توضیح دادیم.

پس هاسپرز می گوید این مسائل وجود دارد و شما نمی توانید بگویید فقط خدا ما را خلق کرده است، بلکه ممکن است ما این طور خلق شده باشیم.

شبهه سوم: این شبهه را قبلا گفتیم. آقای هاسپرز می گوید این جهان رنج و مرگ و میر و ظلم دارد. پس قطعاً قطعاً این جهان را یک خیرخواه خلق نکرده است.

پاسخ: اول بحث اشکال آقای هاسپرز همان تکرار اشکال آقای هیوم است که دلیل تجربی را می گوید قادر به اثبات مدبرانه بودن نظم جهان نیست. چون ما جهان های دیگر را تجربه نکردیم. پس نمی توانیم نظر بدهیم. در پاسخ می گوئیم آقای هاسپرز! برهان نظم بر امورات عقلی پایه گذاری شده است نه بر اساس تجربه. بر اساس موازین عقلی برهان نظم ترتیب داده شد. دوم اینکه تئوری هایی که شما برای پیدایش و بقای موجودات زنده ارائه می کنید، مانند نظریه آقای آناکسیمندر و داروین، چه کسی گفته اینها اثبات شده هستند. اینها هنوز تئوری هایی هستند که دارای اشکال و ابهامات فراوانی هستند و اصلاً جهان علم امروزی به آنها به عنوان یک نظریه اثباتی و دانشگاهی و علمی قطعی نگاه نمی کند. در بحث نظریه داروین مفصل گفتیم که عزیزان می توانند رجوع کنند.

شما زمانی می توانید یک تئوری را رقیب تئوری دیگر بدانید که با آن منافات داشته باشد و پذیرش آن مساوی با باطل بودن یکی دیگر باشد. در حالی که تئوری هایی که شما گفتید در آن نظم و غایت‌مندی بود. حتی اگر بگویید موجود در ابتدا از دریا ساخته می شود و بعد به خشکی می رود، یک نظم و سیکل و چرخه را نشان می دهد. این امر خود اتفاقاً یک نظم است. پس برهان نظم را زیر سوال نمی برد آقای هاسپرز!

هاسپرز مطرح می کند که جهان خیرخواه نیست و ظلم در جهان پابرجاست. اما چند نکته را باید هاسپرز توجه کند. اولاً بر فرض بگوییم این خیرخواهانه بودن نظم عالم به چالش در بیاید. اما هیچ کدام از ادعاهای یاد شده که شما یاد کردید منافای مدبرانه بودن نظام عالم که مدعای اصلی برهان نظم هست نمی شود. درست است به قول شما ظلم در این عالم هست، اما می تواند نظم این جهان را انکار کنید؟ فرض کنید پادشاهی ظالم و ستمگر است. اما حقوق همه مردم را پرداخت می کند. بد اخلاق هست و متوجه شود کسی با او خوب نیست، او را شکنجه می کند، اما حقوق مردم را سر وقت می دهد و رفاه مردم را تامین می کند. نظم در کارهای او برقرار است. شما می توانی ستمگری این فرد را اثبات کنی، اما نمی توانی بی نظمی او را اثبات کنی. آقای هاسپرز! شما می گوئید خدا ظالم است. بر فرض ثابت کردید خدا نعوذ بالله ظالم است، اما چه ارتباطی به بی نظمی جهان دارد. ما داریم روی برهان نظم با شما صحبت می کنیم. فعلاً به برهان های دیگر کار ندارم. روی برهان نظم با شما صحبت می کنم.

ثانیا نظریه تنازع بقا و استدلال هایی که شما آقای هاسپرز مطرح می کنید، هرگز نمی تواند رحمیانه بودن و خیرخواهانه بودن نظم عالم را نفی کند. در صورتی می توانی نفی کنی که ثابت کنی مرگ و میر و رنج و سختی شر محض هستند که در بحث شرور توضیح دادیم. یا ثابت کنی جهان بدون شرور یا با شر کمتر و خیر بیشتر امکان پذیر هست. می توانی چنین جهانی را اثبات کنی که اگر این طور بود بهتر بود ؟ آقای هاسپرز نمی توانی اثبات کنی. پس این استدلال شما هم باد هواست. پس به استدلال هایی که آقای هاسپرز در بحث برهان نظم می پردازد پاسخ دادیم و انشالله از جلسه بعد به برهان های دیگری می پردازیم.